

تاریخ: ۵۸/۳/۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب آقای رئیس جمهور

برای پذیرائی و مهمان‌نوازی که در مدت اقامت در فرانسه از من به عمل آوردید تشکر می‌کنم. از کشور شما بود که من توانستم ندای حق و حقیقت را به ملت ستمدیده ایران برسانم و انقلاب استثنائی ایران را رهبری کنم. انقلابی که سال‌های متمادی در حال تکوین بود و دلیل نضج آن فساد و ظلمتی بود که در تمام کشور حکمفرما و علت اصلی آن وجود سلطنتی بود که از خارج حمایت می‌شد. روابطی که ما را به فرانسه پیوند می‌دهد همواره بر مبنای اخلاقی و تمدن‌های ما و احترام متقابل پایه‌گذاری شده است. بنابر این تعجب کردم وقتی دریافتیم بعضی از محافظان فرانسوی برای محکومیت جنایتکاران، غارتگران و فاسدان رژیم منحل گذشته که مرتکب جنایات عظیمی نسبت به مردم کشور شدند و طبق اصول اسلامی و قرآن مجید مقصر شناخته و محاکمه شدند دخالت متنی کنند. آنان باید احساس همدردی و توجه بیشتری نسبت به انقلاب ما از خود نشان دهند. انقلابی که ما را از یوغ امپریالیسم و ستم پادشاهی مستبد که جنون عظمت و خود بزرگ‌بینی داشت رها کرد. این قادر متعال است که به ما کمک کرد و ما را از چنگال عامل بدبختی‌ها و نابسامانی‌ها رهایی بخشید. ما دست شما را می‌فشاریم و امیدواریم که روابط دوستی‌مان بیش از پیش توسعه یابد و استحکام یابد.

آقای رئیس جمهوری خواهشمندم مراتب حق‌شناسی من و آرزوهای مرا برای سعادت ملت فرانسه بپذیرید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمینی

تاریخ: ۵۸/۳/۲۸

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران مسجد نبی اکرم (ص) تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به غیر اسلام نباید فکر کنیم.

من امیدوارم که همه ما پاسداران اسلام باشیم. من امیدوارم که همه مسلمین از پاسداران قرآن کریم باشند و همه مسلمین از پاسداران امام زمان باشند. من از شما پاسدارها که لباس پاسداری پوشیده اید تشکر می‌کنم. در هر جا هستید پاسداری کنید و از این نهضت طرفداری کنید و از آقای بطحائی هم تشکر می‌کنم که زحمت کشیدند و با شما آمدند اینجا. ما آنچه مقصودمان است اسلام است، به غیر اسلام نباید فکر کنیم. مقصود ما این است که هر جای این مملکت برویم اسلام را ببینیم، اینطور نباشد که رأی بدهیم به جمهوری اسلامی لکن هر جا برویم از اسلام خبری نباشد. جمهوری اسلامی معنایش این است که یک جمهوری باشد و قوانینش همان قوانین اسلام. تمام قوانینی که غیر از قانون اسلام است، قانون نیست، مورد رضای ما و ملت ما نیست. ملت ما که به خیابان‌ها ریختند، به پشت بام‌ها رفتند و شب و روز زحمت کشیدند، جوان‌هایشان را دادند، خوششان را دادند، برای اسلام بود، اگر اسلام نبود همچو کاری نمی‌کردند.

این تحولی بود که به دست خدا واقع شد

اینها اسلام بود که شما راه انداخت و به شما همچو قدرتی داد که در مقابل این قدرت‌های شیطانی بزرگ ایستادید و نترسیدید، این غیرتی بود که خدا به شما داد والا ما که بندگان ضعیفی هستیم و چیزی نداریم، همه‌مان در مقابل یک تفنگ عاجزیم و همین ما که در مقابل یک تفنگ عاجز بودیم و از یک پاسبان می‌ترسیدیم، همین ملتی که از پاسبان می‌ترسید، خدا یک قدرت به همه ما داد که بیاییم در خیابان و فریاد بزنیم که ما این رژیم را نمی‌خواهیم. این قدرتی بود که خدا به شما داد و باید از خدا تشکر کنیم، این قدرتی بود که ایمان به خدا بعداً به شما داد، این تحولی بود که به دست خدا واقع شد. الان هم باز جوان‌هایی می‌آیند پیش من و می‌گویند دعا کنید که ما شهید بشویم، ما شهادت را می‌خواهیم. این یک تحولی بود که برای این ملت پیدا شد و گرایش زندگی این دنیا خیلی مطرح نبود، شهادت را می‌خواستند. اگر چنانچه دنیا و این امور مادی و این زندگی مطرح بود نمی‌رفتند در مقابل توپ‌ها و در

مقابل تانک‌ها و مسلسل‌ها. آنان در مقابل توپ و تانک رفتند، از بچه کوچک گرفته تا بزرگ‌ها، از دانشگاهی تا علمای مذهب، از بازاری تا کارگر و ارتشی.

حفظ عنایت خدا منشأ تمام پیروزی‌هاست

ارتشی که سال‌های طولانی اینها برای خودشان درست کرده بودند، دیدید که در ظرف مدت کمی پشت به آنها کرد و رو به شما آورد. این قدرت خدا بود، این چیزی بود که خدا به شما عنایت کرد و باید این عنایت خدا را حفظ کنید. حفظ این عنایت خدا که منشأ همه پیروزی‌هاست به این است که قدم‌های دیگری هم بردارید، همه با هم پشتیبانی کنیم، همانطوری که در اول، این نهضت با ایمان پیش رفت و اجتماع همه شما به واسطه ایمانی که در دلتان بود سبب شد که یک همچو قدرت شیطانی را در هم کوبیدید. این یک عنایتی بود، عنایت خاصی بود از خدای تبارک و تعالی و لذا حساب همه اشخاصی که به مادیات فکر می‌کردند، آن اشخاصی که توجه به معنویات نداشتند هم حساب‌هایشان باطل شد، ولی حساب‌هایی که روی دنیا است و به معنویات نظر ندارد، روی آن حساب، حق با آنها بود که به معنویات نظر نداشتند «امکان ندارد این قدرت از بین برود» این را مکرر می‌گفتند، خصوصاً این آخر که در پاریس دستجات می‌آمدند و بعضی‌ها نه، اینکه سوء نیت داشتند، خیر خواه بودند لکن اشتباه داشتند و روی حساب مادیات، روی حساب‌های دنیا و اهل دنیا، نباید یک ملتی که هیچ ندارد، حالا چهار تا اسلحه‌ای که دارید قبل از انقلاب که هیچ چیز نداشتید، این غنیمت است که قبلاً نداشتید، جز یک مشت خالی، یک ملتی که زن‌هایش همیشه در پرده بودند و پایشان را بیرون نمی‌گذاشتند، یک ملتی که حاضر نبودند یک قدم برای امری بردارند، در آنها یک تحولی واقع شد. تحول الهی که همین ملت با اینکه هیچ نداشتند، بر آنها که همه چیز داشتند مقدم شدند. مشت‌های شما با ایمانی که دنبالش بود، بر این تانک‌های گول‌پیکر غلبه کرد. خون‌های جوانان ما بر مسلسل‌ها غلبه کرد. این چیزی بود که خدا به شما داد و باید این را حفظ کنید. الان به فکر این نباشید که به ما پاسدارها حقوق نمی‌دهند و یا کم می‌دهند. همانطوری که سابق در حال انقلاب بودید و در حال جلورفتن و شکستن، یک کدام می‌نشستید فکر کنید که ما اگر شب به منزل برویم شام چی هست؟ نه، این فکر در ذهن هیچ کسی نبود و می‌دانم نبود. اگر بود نمی‌آمدند جان بدهند. آن روزی که شما راه افتادید به میدان و توی خیابان‌ها، آنها با ابزار گول‌پیکر و شما با مشت، هیچ به فکر آن نبودید که حقوق کم است، حقوق مطرح نبود، جان مطرح نبود. این روحیه شما را غلبه داد، این چیزی که شما را غلبه داد مادیاتی که او هست شما پیروزید. دعا کنید که باشد، جدیت کنید که نگهش دارید. خدا به شما یک عنایتی کرده است که این عنایت را حفظ کنید، نگهش دارید. تا آن قدم‌های اصولی و مسائل اصلی درست نشود، تا آن کارها درست نباشد به فکر اینکه من حقوق کم است و یا من رتبه‌ام کم است به این فکرها نباشید. حالا باید همه همانطوری که از اول مقصد را نگاه می‌کردید و به مصائب خودتان توجه نداشتید، حالا هم مقصد را

نباشد که حقوقش کم است، دهقان به فکر این نباشد که امتثال زراعت چطور است، باران آمده یا نه، اینها فکرهاست است که شما را از این قدرت الهی باز می‌دارد. شما قیام الله کردید.

شما که مو عظه خدا را پذیرفتید حافظ آن باشید.

آن وصیتی که خدای تبارک و تعالی به پیغمبر اکرم فرمود این بود که به مردم بگو من یک حرف دارم، یک مو عظه دارم، هیچ دیگر من نمی‌گویم، یک مو عظه دارم «قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا لله». نهضت کنید برای خدا، یک نفری برای خدا نهضت کن، همه با هم برای خدا نهضت کنید. شما برای خدا نهضت کردید، دلیلش این است که جان را گذاشتید کف دست و راه افتادید در خیابان‌ها و فریاد کردید اسلام، این دلیل بر این است که شما برای خدا کار کردید، اگر اینکار برای خدا نبود، کسی جانش را نمی‌داد، میدانی که گلوله تفنگ دارد، مسلسل می‌بندند، توپ می‌آید، تانک می‌آید، سرباز مسلح است، این دلیل بر این است که برای خدا کار انجام دادید. همین وصیتی که خدا، مو عظه‌ای که خدا کرده است عمل شد «اعظکم بواحد» این یکی «انما اعظکم بواحد» به ایشان بگو که من فقط یک مو عظه دارم و آن اینست که نهضت شما، قیام شما برای خدا باشد. توی این همه چیز هست، در این یک کار و یک مو عظه همه چیز هست. شما این مو عظه خدا را پذیرفتید تا حالا، نگذارید از دست برود، قیام شما لله باشد، برای خدا، از حالا به بعد هم جدیت کنید. شما شب‌ها خیلی هاتان تا صبح بیدارید و آنوقتی که جوان باید بخوابد و درها بسته است، شما ایستاده‌اید و شما به دوستان تفنگ است، این اگر برای خدا نباشد، برای کیست؟ کسی زور به شما نگفته است، یک وقت این است که یک صاحب منصبی ایستاده آنجا و تفنگش را کشیده و می‌گوید باید بایستید، آن برای خدا نیست برای صاحب منصب است، برای تفنگ است. کسی حالا به شما فشاری نیاورده که پا شوید بایستید تا صبح. این لله است، کار شما برای خداست. جوانی که باید در دل شب بخوابد و اقتضای جوانی است که بخوابد، نمی‌خواید تفنگ را به دوش کشیدید، خودتان را در معرض هلاکت گذاشتید، شیاطین باز به دنبال هستند که خدای نخواستہ بزنند و شما ایستاده‌اید و دارید از اسلام طرفداری می‌کنید، این برای خداست، اگر برای خدا نبود، این چه کاری بود که انسان خوابش را کنار بگذارد که بیاید در جایی که معرض خطر است و از معرض اطمینان و از معرض آمال دست بردارد و بیاید در معرض این خطر و خواب عزیزش را از دست بدهد، این نمی‌شود مگر برای خدا. زور هم که نیست، هیچ کس هم به شما نگفته، فقط یک قدرت ایمان است. این را حفظ کنید، این همان است که شما را تا اینجا پیروز کرده است و همه حرف‌های مادیین را باطل کرده است. حرف‌های کمونیستی با همین کارها باطل می‌شود. اگر فقط دنیاست و فقط همین است، این قدرت زمین زدن آن قدرت‌های بزرگ را ندارد، اگر دنیا بود معقول نیست که شما بتوانید قدرت‌ها بزرگ را از بین ببرید.

باید قانون اساسی را به نفع اسلام تحکیم بخشیم

ما حالا باید قانون اساسی را آنطوری که برای اسلام باشد، تحکیم کنیم، تصویب کنیم و این هم باید زود تصویب شود. این طرحی است که دولت داده است، همین طرح صحیح است و اگر بخواهد آنطوری که این غربزده‌ها می‌گویند مبنی بر اینکه شما مطابق چیزهای دنیا پسند یک مجلسی درست کنید با پانصد، ششصد نفر آدم و پانصد، هشتصد نفر آمدند یکی یکی بنشینند آنجا، این معانی اش آن است که ما تا دوسه سال دیگر بنشینیم و عزا بگیریم و آنان قوت پیدا کنند، طرحی است که یا از غرب ریخته شده است و یا از آنجائی که شاه در آنجاست. این طرح وارداتی است. آیا این طرح قبول است؟ ما می‌گوئیم زود کلک قضیه کنده شود و اسلامی بشود و الان همه ما باید در دنبال همان معنا باشیم و همین طرحی را که دولت گفته است، صحیح است. دشمنان ما می‌خواهند که جیب‌هایشان پر بشود و اسلام جیب پر کن نیست، اسلام با ضعفا است. اسلام آن است که امیرش می‌فرماید که من می‌ترسم در آن طرف مملکت یک کسی گرسنه باشد، شاید آنجا چیزی نداشته باشد بخورد من باید زندگی این باشد، خودم دلم آرام نباشد که اگر آنجا گرسنه است من هم اینجا گرسنه‌ام. اسلام این است، البته خودش می‌فرماید شما قدرت ندارید و صحیح می‌فرماید، ماها قدرت نداریم مثل او باشیم. اما اینقدر قدرت داریم که جیب‌هایمان را دیگر پر نکنیم. برای املاک بیابان‌ها قصرهای روی هم انباشته، این را که قدرت داریم که از مال این فقرا از مال این ضعفا جیب‌مان را پر نکنیم این پول‌های نقد زیادی که ما نمی‌توانیم تصورش را بکنیم، اکثرش به جیب این خانواده رفته، اکثرش جیب اینها رفته، به همان مقدار هم به جیب امریکا رفته، ما می‌خواهیم این لقمه را از دهن اینها بیرون بیاوریم به فقرا بدهیم. این کارگرهای صنعت نفت ما با آن زحمت و با آن بیچارگی کار بکنند، آنوقت سرود توی شکم این خارجی‌ها و این پولدارها، آنهایی که در خارج برای خودشان املاک درست کردند، برای خودشان پارک درست کردند. این صحیح است؟!!

ما می‌خواهیم از توی شکم اینها بیرون بیاوریم و بین همین ملت پخش کنیم، همین هائی که این انقلاب را پیا کردند. و من از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت شما را می‌خواهم و دلم به شماها خوش است. انشاء الله خداوند همه‌تان را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته